

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۴، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۸۹ تا ۱۱۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

شاخصه‌های مبانی نظری سیاست جنائی اسلام

احمد فرجی* عضو هیئت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران.

چکیده

سیاست جنایی در جهان الگوهای مختلفی دارد که با همدیگر وجوه اشتراک و افتراق دارند. الگوی سیاست جنایی اسلام از نظر مبانی با دیگر نظام‌ها در مواجهه با منکرات (جرم و گناه) تفاوت چشمگیر دارد. نیز برخلاف تصور بعضی که می‌گویند اسلام سیاست جنایی ندارد، اثبات شده است اسلام سیاست جنایی مستقلی دارد. لذا شاخصه‌های کلی و پایه‌های مستقل سیاست جنایی اسلام در مقایسه با سیاست جنایی غرب ذکر شده است. این پژوهش یک تحقیق علمی کاربردی است. اصطلاح «سیاست جنایی» غلط بوده، اصطلاح «سیاست جزائی» درست است. عنوان مبارزه با ضد ارزش‌ها در اسلام «منکر» است نه «جرم و جنایت»، محور مبارزه سیاست جنایی اسلام، نه سیاست کیفری و غیرکیفری بلکه سیاست فرهنگی - اقتصادی حسبی کیفری است. موضوع سیاست جنایی اسلام نه «پدیده مجرمانه» بل «پدیده معصیت‌کارانه» است. سطوح پاسخ سیاست جنایی در غرب «جرم و انحراف» اما در اسلام «جرم، انحراف، حرام، فعل مکروه و ترک مستحب» است.

از نظر تأثیر دیدگاه توحیدی بر سیاست جنایی، توحید معیار بنیادین تدوین سیاست جنایی اسلام و اصول کلی چهارگانه توحیدی (اعتقادی، اخلاقی، عبادی و حقوقی) محور تدوین برنامه‌های سیاست جنایی‌اند. سیاست جنایی اسلام واقعاً هفت پایه مستقل متفاوت با سیاست جنایی غرب دارد که عبارت‌اند از: مکتب اعتقادی مستقل، نظام سیاسی مستقل، نظام حقوقی مستقل، مدیر عالی مستقل، منبع استنباطی مستقل، شروط حجیت مستقل و اصول کلی توحیدی. **واژگان کلیدی:** سیاست شرعی، مبانی، منکر، پایه مستقل، فقه اکبر، ولایی.

مقدمه

پاسخ به جرم دو نوع است: اول پاسخ پیشینی (پی‌سازی، پیش‌سازی و پیشگیری)، دوم پاسخ پسینی (مجازات و اقدامات تأمینی). موضوع بحث نوع اول است. درباره مبانی سیاست جنایی اسلام پژوهش جامعی صورت نگرفته است. نوآوری این مقاله کاوش مبانی سیاست جنایی اسلام در برخورد با جرم و گناه و «اثبات وجود سیاست جنایی مستقل اسلام» است. شاخصه‌های کلی سیاست جنایی مستقل اسلام چیست؟ عبارت است از تعریف و عنوان‌گذاری مستقل، اصول عمومی مستقل، نظام تقسیم‌بندی بنیادین سیاست جنایی اسلام، موضوع مواجهه با ضدازش‌ها، رابطه سیاست جنایی اسلام با فقه اکبر و مقاصد شریعت، سیاست شرعی اسلام، فلسفه سیاست جنایی اسلام و ...

تفاوت سیاست جنایی اسلام و غرب از نظر پایه‌های سیاست جنایی چیست؟ سیاست جنایی اسلام واقعاً هفت پایه مستقل و متفاوت با سیاست جنایی غرب دارد: ۱. مکتب اعتقادی مستقل پایه؛ ۲. نظام سیاسی مستقل پایه؛ ۳. نظام حقوقی مستقل پایه؛ ۴. مدیریت عالی ولایی دولتی مستقل پایه؛ ۵. منبع استنباطی مستقل پایه؛ ۶. شرایط حجیت مستقل؛ ۷. اصول کلی چهارگانه توحیدی (محور تدوین برنامه‌های سیاست جنایی اسلام). مقاله دو بحث دارد: ۱. شاخصه‌های کلی سیاست جنایی مستقل اسلام؛ ۲. مشابهت‌ها و مفارقت‌های سیاست جنایی اسلام و غرب از نظر نظام‌های پایه.

۱. مفاهیم، اصول، روابط و قلمروهای مستقل سیاست جنایی اسلام از نگاه تطبیقی

۱-۱. مفهوم، اصول عمومی و عنوان علمی مستقل سیاست جنایی اسلام

الف) مفهوم سیاست جنایی در نگاه تطبیقی: ابتدا کلمه سیاست و کلمه جنایت را در علم لغت و فقه اسلام و غرب تعریف می‌کنیم. سیاست در لغت یعنی تدبیر کردن، شیوه عمل در اداره امور (انوری، ۱۳۸۸/۲: ۱۳۵۶) و جنایت در لغت یعنی بدترین نوع جرائم که معمولاً شدیدترین مجازات‌ها را دارد مثل قتل، جاسوسی و خیانت به کشور (معلوف، ۱۳۸۳: ۱۰۵؛ نوری، ۱۳۶۰/۱: ۷۵۶). در حقوق غرب به سنگین‌ترین جرائم جنایت می‌گویند، اما در فقه اسلامی جنایت صدماتی است که به جسم و جان انسان وارد و سبب قتل یا قطع عضو یا جرح یا منافع شود (نجفی، ۱۳۶۰/۴۲: ۴۶۳؛ الحصری، ۱۴۱۳/۳: ۱۶).

۱. تعریف سیاست جنایی در غرب: سیاست جنایی دو مفهوم دارد: اول: مفهوم مضیق سیاست جنایی: عبارت است از مجموعه شیوه‌های سرکوبگر که دولت در برابر جرم انجام می‌دهد (لازرز،

۱۳۸۱: ۹). این تعریف، در واقع تعریف سیاست کیفری است و چهار مشخصه دارد: اولاً، کیفری است؛ ثانیاً، پاسخ‌گو فقط دولت است؛ ثالثاً، دولت فقط با جرم مبارزه می‌کند؛ رابعاً، شیوه برخورد فقط واکنشی است. مفهوم موسع سیاست جنایی عبارت است از مجموعه شیوه‌هایی که هیئت اجتماع با توسل به آن پاسخ‌ها پدیده مجرمانه را سامان می‌دهد اعم از کیفری و غیرکیفری (دلماش مارتی، ۱۳۸۱/۱: ۲۱-۲۲).

۲. تعریف مستقل سیاست جنایی در اسلام: سیاست جنایی اسلامی یعنی مهندسی حمایت جنایی از مصالح الهی اجتماع در مواجهه با گناه (فتحی بهنسی، ۱۴۰۹: ۲۵). سیاست جنایی اسلام مجموعه تدابیری است که نظام الهی جامعه (خدا، دولت، جامعه و مردم) از طریق پی‌سازی، پیش‌سازی و پیشگیری و مجازات و اصلاح و حمایت و به مواجهه با منکر می‌پردازد تا فرد و جامعه صالح خدامدار ایجاد کند. پی‌سازی (طهارت‌بخشی شناختی سه‌گانه به فرد و جامعه) و پیش‌سازی (تدارک نیازهای مادی و معنوی شخص یا جامعه) است. شش وجه برتری تعریف اسلامی بر تعریف غربی عبارت‌اند از:

۱) توجه جدی به تدارک حقوق خدا، علاوه بر تدارک حقوق مردم (برعکس غرب که سیاست از دین جداست). لذا مسیر حرکت سیاست جنایی اسلام ایجاد جامعه طیبه و قرب الی الله، اما مسیر حرکت سیاست جنایی غرب ایجاد جامعه اومانستی ضد دین است.

۲) سیاست جنایی اسلام به جای مبارزه با «پدیده مجرمانه» با «پدیده معصیت‌کارانه» مواجهه دارد؛ یعنی اسلام فقط با جرم و انحراف مبارزه نمی‌کند، با جرم، انحراف، گناه، مکروه و... مواجهه می‌کند (مواجهه غیر از مبارزه و برخورد قهرآمیز است. مواجهه همکاری و کمک را هم شامل می‌شود).

۳) محور مواجهه سیاست جنایی اسلام مثل غرب کیفر محور نیست، بلکه اقتصادی - فرهنگی محور (پی‌سازی، پیش‌سازی و پیشگیری) است.

۴) ابعاد برخوردش نه دو بُعدی (پیشگیری و مجازات) که چهار بُعدی (پی‌سازی، پیش‌سازی، پیشگیری و مجازات) است.

۵) تکیه کلیدی سیاست جنایی اسلام به امر فراپیشگیری (پیش‌سازی و پی‌سازی) است تا پیشگیری از جرم.

۶) پاسخ‌دهنده در سیاست جنایی اسلام، مثل غرب فقط دولت و جامعه نیست، خدا، دولت، جامعه و اشخاص است.

ب) اصول عمومی سیاست جنایی از نگاه تطبیقی:

۱. اصول عمومی چهارگانه سیاست جنایی غرب چهار مورد است:

اصل ۱ - شیوه پاسخ‌دهی شامل برخورد کیفری و غیرکیفری (جبران خسارت و پیشگیری) هر دو می‌شود.

اصل ۲ - پاسخ‌دهنده فقط دولت نیست، دولت و جامعه (جامعه مدنی و تشکل محلی ...) هر دو به جرم پاسخ می‌دهند.

اصل ۳ - علاوه بر جرم با انحراف هم مبارزه می‌کند.

اصل ۴ - از برخورد واکنشی صرف به برخورد پیشگیرانه و واکنشی رسیده است (دل‌ماس مارتی، ۱۳۸۱/۱: ۷۸).

۲. اصول عمومی ده‌گانه سیاست جنایی مستقل اسلام عبارت‌اند از:

اصل ۱ - سیاست جنایی اسلام خدامدار است؛ یعنی حامی مصالح عام و خاص دینی نه مصالح لیبرال دموکراسی غرب.

اصل ۲ - سیاست جنایی اسلام حامی حقوق خدا و بشر (حق‌الله و حق‌الناس) است نه فقط حقوق بشر (حق‌الناس).

اصل ۳ - موضوع پاسخ در سیاست جنایی اسلام، برخورد با منکر (جرم، انحراف، گناه، فعل مکروه و ترک مستحب) است نه (جرم و انحراف).

اصل ۴ - محور پاسخ‌دهی سیاست جنایی اسلام، پاسخ فرهنگی اقتصادی (غیرکیفری) است نه پاسخ کیفری (برخلاف غرب که پاسخ کیفری پاسخ اصلی و پاسخ غیرکیفری پاسخ فرعی است).

اصل ۵ - پاسخ‌دهنده سیاست جنایی اسلام خدا، دولت، جامعه و شهروندان است، نه دولت و جامعه که غرب دارد.

اصل ۶ - سیاست جنایی اسلام در مواجهه با منکر (جرم و گناه) پاسخ جامع پنج‌گانه دارد (پی‌سازی، پیش‌سازی، پیشگیری، اعطای حقوق داده‌نشده و اقدام کیفری) دارد، نه فقط دو نوع پاسخ (پیشگیری و کیفری) که غرب دارد.

اصل ۷ - انواع پاسخ فرهنگی اقتصادی اسلام عبارت‌اند از: پی‌سازی فرهنگی اجتماعی، پیش‌سازی اقتصادی و پیشگیری از وقوع جرم و گناه و اعطای حقوق داده‌نشده.

اصل ۸ - در سیاست کیفری، اسلام سرکوبگر نیست، حمایت تعاونی و اصلاحی و تأمینی دارد.

اصل ۹- سیاست کیفری اسلام فقط ارباب‌مدار نیست، علاوه بر ارباب‌مداری (انذارمداری)، تبشیرمدار (کمک به بزهکار جهت حل مشکلاتش) و شیفته‌مدار (جذب و هدایت مجرم با محبت مثلاً مجرم کار خیری انجام داد ده جزء قرآن را در زندان حفظ کرد جهت تشویق او را از زندان آزاد کردن) هم هست.

اصل ۱۰- هدف سیاست جنایی اسلامی تدارک نیازهای مادی و معنوی شخص و جرم‌شکنی (با اعطای حقوق) و ایجاد فرد، خانواده، جامعه و نظام صالح، امن، خدامدار و مقرب به خدا و سالک الی الله.

ج) عنوان مستقل علمی و مواجهه با نقض ارزش‌ها در سیاست جنایی اسلام:

۱. عنوان مستقل علم (سیاست جزایی نه سیاست جنایی): سیاست جنایی در غرب یعنی تدابیر مبارزه با جرم و انحراف (لازرژ، ۱۳۸۱: ۲۱ به بعد) که به آن «criminal policy» می‌گویند. جنایت در حقوق غرب (در مقابل جنحه و خلاف) عبارت است از بدترین نوع جرائم که سنگین‌ترین مجازات‌ها را دارد. مثل جاسوسی، خیانت به کشور و (استفانی و همکاران، ۱۳۷۷: ۶۴۴). به‌کار بردن سیاست جنایی برای کل نظام مبارزه با جرم و گناه غلط است، چون سیاست جنایی فقط جنایت را شامل نیست؛ جنایت، جنحه و خلاف هر سه را شامل است. لذا نام صحیح آن از دیدگاه اسلامی «سیاست جزایی» است، کلمه جزا در قرآن به معنی پاداش عمل اعم از پاداش خوب مثل حمایت و پاداش بد مثل مجازات آمده است (طباطبایی، ۱۳۹۴: ذیل آیه ۹۳ نور؛ قمیسی، ۱۳۷۱: ذیل «جزا»). لذا کلمه «جزا» در حقوق اسلام به «جنایت» اختصاص ندارد و شامل مجازات، پی‌سازی و پیش‌سازی و پیشگیری و اصلاح و درمان می‌شود.

۲. عنوان مستقل مبارزه با نقض ارزش‌ها (منکر است نه جنایت): در سیاست جنایی غرب موضوع مبارزه «جنایت» یعنی جرم و انحراف است، اما در سیاست جنایی اسلام موضوع مبارزه «منکر» یعنی جرم، انحراف، گناه و... (علیه فرد، خانواده، جامعه و خدا) است.

۲-۱. قلمروهای مواجهه با جرم و گناه در سیاست جنایی اسلام و غرب

مبارزه اسلام و غرب با رفتارهای خلاف ارزش‌ها در چهار عنوان (موضوع مبارزه، محور مواجهه، وظایف و فلسفه سیاست جنایی) مقایسه می‌شود:

۱-۲-۱. موضوع مبارزه با جرم در سیاست جنایی اسلام و غرب

هر جامعه ارزش‌هایی دارد که از آن‌ها حراست می‌کند (مثل توحید، اطاعت از رهبر اسلام، عفت عمومی، اعطای حقوق خدا و مردم با تحکیم عدالت اجتماعی و ...) که موضوع هر سیاست جنایی عبارت است از مبارزه با اعمال ضدارزش‌های اجتماعی:

۱. موضوع سیاست جنایی در اسلام و غرب (پدیده معصیت‌کارانه نه پدیده مجرمانه): موضوع پاسخ هر سیاست جنایی را، رفتارهای نقض‌کننده ارزش‌های جامعه یعنی منکرات (جرم و انحراف و گناه) تشکیل می‌دهد.

الف) در جرم‌شناسی غرب: موضوع سیاست جنایی عبارت است از دو مورد «جرم و انحراف» (عبدالفتاح، ۱۳۷۸: ۱۰۱) که اصطلاحاً بدان «پدیده مجرمانه» می‌گویند (لازرز، ۱۳۸۱: ۲۱).

ب) در جرم‌شناسی اسلام: موضوع سیاست جنایی عبارت است از سه مورد «جرم، انحراف و گناه» که بدان «پدیده معصیت‌کارانه» یا «منکر» یعنی ارتکاب معصیت خدا می‌گویند نه پدیده مجرمانه. هرچند موضوع سیاست جنایی اسلام، منکر (جرم، گناه و انحراف) است، اما «گناه» به‌عنوان ریشه اساسی جرائم، اصلی‌ترین موضوع سیاست جنایی اسلام است.

۲. سطوح موضوع در سیاست جنایی اسلام و غرب: سطح رفتار خلاف ارزش‌ها در اسلام با غرب فرق دارد:

الف) در سیاست جنایی غرب: سطح موضوعات پاسخ غرب به منکر دو مورد است (۱. جرم؛ ۲. انحراف).

ب) در سیاست جنایی اسلام: سطح موضوعات پاسخ اسلام به منکر، دو قلمرو دارد: قلمرو مضیق و قلمرو موسع. سطح مضیق (۵ سطحی) عبارت است از: پاسخ به ۱. گناه؛ ۲. انحراف؛ ۳. جرم؛ ۴. ترک مستحب و فعل مکروه؛ ۵. فعل مباح. و سطح موسع (۱۲ سطحی) عبارت است از: ۱. فعل حرام یعنی انجام گناه (شامل گناه صغیره، اصرار بر گناه صغیره، گناه کبیره)؛ ۲. ارتکاب جرم؛ ۳. ارتکاب انحراف اجتماعی؛ ۴. انجام عمل خلاف مروت صنفی؛ ۵. انجام عمل مکروه؛ ۶. انجام عمل مباح؛ ۷. فکر گناه؛ ۸. قصد انجام گناه؛ ۹. ترک اهم (با انجام مهم یا بدون انجام مهم)؛ ۱۰. ترک وظیفه واجب (شرعی یا قانونی)؛ ۱۱. ترک اولی (مثل ترک اولای حضرت آدم)؛ ۱۲. ترک مستحب.

۱-۲-۲. محور مواجهه با منکر در سیاست جنایی اسلام و غرب

محور مواجهه غرب با منکر، سیاست کیفری است نه غیرکیفری؛ اما محور مواجهه اسلام با منکر (جرم و گناه)، سیاست فرهنگی - اقتصادی (غیرکیفری) است نه سیاست کیفری. لذا «سیاست فرهنگی اقتصادی» پاسخ اصلی اسلام به جرم و گناه است:

۱ - محور مواجهه سیاست جنایی غرب با منکر: در سیاست جنایی غرب، محور اصلی پاسخ به جرم، حقوق کیفری است و اقدامات کیفری محل قوی‌ترین فشارها به مجرمان بوده و حضور بسیار محسوس دارد، اما سایر شیوه‌های کنترل اجتماعی یعنی پیشگیری غیرکیفری (مثل ضمانت اجرای اداری یا غیردولتی یا انضباطی و پیشگیری اجتماعی و وضعی) پاسخ دوم به جرمند (دل‌ماس مارتی، ۱/۱۳۸۱: ۲۴).

۲ - محور مواجهه مستقل سیاست جنایی اسلام با منکر: در سیاست جنایی اسلام، پیشگیری فرهنگی اقتصادی محور اصلی پاسخ به جرم است و مجازات کردن، آخرین مرحله پاسخ‌دهی است. سیاست فرهنگی عبارت است از «آگاهی بخشیدن به شخص یا جامعه به جهت ایجاد طهارت فکری، قلبی و عملی و رفع نیازهای فرهنگی جنسی و ... شخص و جامعه و نیز نظارت مردمی بر همه امور جامعه» و سیاست اقتصادی عبارت است از «تدارک نیازهای گوناگون مادی و اقتصادی شخص، خانواده و کشور» تا افراد و جامعه به کفایت لازم در تأمین حواجی اقتصادی برسند.

۱-۲-۳. وظایف سیاست جنایی در اسلام و غرب

۱. وظیفه سیاست جنایی در غرب: کنترل جرم و انحراف از طریق پیشگیری اجتماعی و وضعی است.

الف) پیشگیری اجتماعی یعنی اصلاح شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در محیط عمومی و شخصی.

ب) پیشگیری وضعی یعنی تغییر وضع ماقبل بزه جهت منع رخداد جرم (ابرنادادی، ۱۳۸۳: ۵۷۰-۵۸۱).

۲. وظیفه مستقل سیاست جنایی در اسلام: دفع یا کنترل منکر (جرم و انحراف و گناه) از سه طریق است:

الف) پی‌سازی فرهنگی اجتماعی خدامدار: مراد ایجاد طهارت (دادن شناخت فکری، اخلاقی و رفتاری پاک) یا تطهیر کردن فرد و جامعه است تا در نتیجه پاک‌ی حاصله در فرد یا جامعه، از آن فرد یا جامعه جرمی رخ ندهد.

ب) پیش‌سازی اقتصادی اجتماعی خدامدار: مراد خشکاندن ریشه‌های گناهان و بی‌اثر کردن زیربنای جرائم (از طریق تدارک نیازهای مادی و معنوی و اعطای حقوق مردم و خدا و تحکیم عدالت اجتماعی) است.

ج) پیشگیری فرهنگی اقتصادی اجتماعی خدامدار: مراد بستن یا کنترل کردن زمینه‌های جرم و گناه و گشودن راه‌های زندگی حلال و خوب جهت مردم است) و پیشگیری حسبی (که پیشگیری وضعی شاخه‌ای از آن است) با تلاش جهت نیل مردم و جامعه به رستگاری (رسیدن به جامعه طیبه و پاک) و قرب الی الله .

۱-۲-۴. فلسفه سیاست جنایی از نگاه اسلام و غرب

هر نظام سیاست جنایی اعم از نظام خدامدار (توحیدی) یا انسان‌مدار (اومانیستی) در تعیین جرم و گناه (جرم‌انگاری) و ارائه تدابیر مواجهه و برخورد با جرم و گناه، تابع فلسفه اعتقادی متفاوتی است که اساس سیاست جنایی او را تشکیل می‌دهد:

۱. فلسفه سیاست جنایی در نگاه غرب: از قرن ۱۹، اومانیسم (حاکمیت خواسته‌های انسان بریده از خدا در زندگی) بر جهان غرب حاکم شد؛ یعنی دین (خدا) از سیاست (اداره جامعه) عزل و در یک ساختمان (کلیسا) زندانی شد و سکولاریسم (تفکر ضد دینی) و لانیسم (تفکر غیر دینی) بر نظام غرب حاکم شد، اما تصویب اعلامیه غربی حقوق بشر در ۱۹۴۸ و دو میثاق حقوق مدنی سیاسی ۱۹۶۶ و فرهنگی اقتصادی و اجتماعی ۱۹۶۶ به حفظ حق حیات دین پرداخت و اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب کشورهای اسلامی در مصر ۱۹۹۰ حقانیت دین را تثبیت کرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۱۰۰ به بعد). طبق اومانیسم، فلسفه مکاتب کیفری غرب این است: «قوانین جامعه باید ساخته دست بشر باشند نه دین» که مفاد آن در چهار اصل خلاصه می‌شود:

الف) جرم عملی است که عدالت انسانی را بشکند نه عدالت دینی را (دین‌زدایی غربی‌ها از علم حقوق)؛

ب) جرم نقض تکلیف برابر هم‌نوعان جامعه است نه نقض تکلیف برابر خدا و خود (نقض تکلیف برابر خدا جرم نیست).

ج) تفکیک حقوق از اخلاق توسط سکولاریسم و لانیسم غرب (اثرش رسمیت زنا، لواط، شراب، مواد مخدر و قمار شد)؛ د) جرم فقط از طریق مجازات دنیوی قابل اجتناب است نه مجازات اخروی و الزام خدا (ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۱۵۹-۱۶۰).

۲. فلسفه مستقل سیاست جنایی در نگاه اسلام: برخلاف غرب که «مصالح اومانیستی سکولارولانیک» (حاکمیت ارزش‌های غیرالهی و اصرار بر نفی ارزش‌های الهی) فلسفه سیاست جنایی غرب است، در نظام اسلام، مصالح الهی خدادار مردمی (عدم ارتکاب معصیت خدا و حاکمیت ارزش‌های الهی در جامعه) فلسفه سیاست جنایی اسلام است؛ یعنی احکام شرع، تابع

مصلح و مفاسد مردم است، اما معیار مصلح، نه اومانیسیم (انسان بریده از خدا)، بلکه مقاصد شریعت (انسان پیوسته به خدا و خلیفه خدا نه جدا از خدا) است؛ یعنی قوانین زندگی فردی و اجتماعی هر دو طبق اهداف شارع مقدس (جهت تدارک خوشبختی واقعی بندگان) تدوین می‌شود، در اسلام همه قوانین «باید ساخته دست مشترک خدا و بشری باشد که اسلام را پذیرفته نه بشر بریده از خدا طبق مکتب اومانیسیم» به این توضیح که:

الف) جرم عملی است که عدالت الهی و انسانی هر دو را بشکند (نه فقط عدالت انسانی را).
ب) جرم هم نقض حق مردم «حق الناس» است و هم نقض حق خدا «حق الله» (نه فقط نقض حق مردم جامعه).

ج) حقوق از اخلاق هرگز قابل تفکیک نیست (حتی در جرائم حدود امنیت اخلاق اجتماعی بر آزادی اخلاق فردی غلبه می‌کند) برخلاف غرب سکولار که حقوق را از اخلاق تفکیک کرده است.

د) در اسلام بازدارندگی از جرم، از طریق مجازات دنیوی و مجازات اخروی هر دو قابل اجتناب است (نه مثل غرب فقط از طریق مجازات دنیوی).

ه) در اسلام پاسخ سؤالات پایه‌ای سیاست جنایی (۱). مکتب اعتقادی پایه؛ ۲. نظام سیاسی پایه؛ ۳. نظام حقوقی پایه؛ ۴. نظام مدیریت پایه؛ ۵. نظام کلی و اجرایی پایه و... طبق اصول کلی سیاست جنایی اسلام بیان می‌شود نه اصول سیاست جنایی غرب.

لذا فلسفه سیاست جنایی اسلام در تعیین جرم و گناه و تدابیر مواجهه با این دو پنج اصل است:
۱. حفظ حق الله و حق الناس (حفظ حقوق مردم و خدا) طبق اهداف شارع مقدس اسلام نه طبق اومانیسیم آدم بریده از خدا؛ ۲. حاکمیت بخشی به عدالت الهی مردمی؛ ۳. حاکمیت اخلاق و حقوق با هم بر جامعه؛ ۴. تأمین نیازهای مادی و معنوی؛ ۵. پاسخ‌دهی دنیوی و اخروی.

۱-۳. رابطه سیاست جنایی اسلام با سیاست شرعی، فقه اکبر اسلام و مقاصد مضبوطه شریعت

۱-۳-۱. رابطه سیاست جنایی اسلامی با سیاست شرعی

سیاست در لغت یعنی «اداره امور» و در اصطلاح علمی یعنی «تدبیر امور مردم طبق مصلح و مفاسد آنان» و سیاست شرعی عبارت است «از تدابیری که مردم با آن به مصلح شرعی خود نزدیک و از مفاسد دور می‌شوند» (فتحی بهنسی، ۱۴۰۹: ۲۵) و سیاست جنایی اسلامی عبارت است از «پاسخ‌دهی مناسب شرع اسلام به منکر (جرم و گناه) در چهار سطح گوناگون با استفاده از ابزارهای هفده‌گانه»:

۱. چهار سطح بنیادین جلوگیری از وقوع جرم یا کاهش جرم در اسلام عبارت‌اند از: ۱. دادن شناخت صحیح پاک (پیش‌سازی)؛ ۲. زدودن ریشه‌های اصلی جرم با تدارک نیازهای بشری (پی‌سازی)؛ ۳. پیشگیری جامع از جرم و گناه؛ ۴. اقدامات اصلاحی درمانی، تأمینی و مجازات. ۲. ابزارهای هفده‌گانه پاسخ‌دهی به جرم و گناه در اسلام عبارت‌اند از: ۱. ابزار فرهنگی (آموزشی هدایتی جنسی شغلی، آموزش دین‌داری و...); ۲. اقتصادی؛ ۳. حسبی؛ ۴. مدنی؛ ۵. اداری؛ ۶. انضباطی؛ ۷. مالیاتی؛ ۸. تعاون اجتماعی مردم؛ ۹. نظارت همگانی مردم؛ ۱۰. تکافل اجتماعی (حمایت کامل اجتماعی دولت و مردم) جهت رفع نیازهای اساسی مردم؛ ۱۱. بهداشت اجتماعی؛ ۱۲. محدود کردن یا سلب حقوق اجتماعی؛ ۱۳. پیشگیری از جرم و پیش‌گشایی (گشودن راه‌های حلال زندگی)؛ ۱۴. مجازات کیفری؛ ۱۵. انجام اقدامات اصلاحی و درمانی؛ ۱۶. اصلاح ذات‌البین (میانجی‌گری بین طرفین)؛ ۱۷. تدارک حوائج ضروری مردم.

خلاصه که سیاست شرعی «یکی از شاخه‌های سیاست عمومی اسلام» و سیاست جنایی، یکی از شاخه‌های سیاست شرعی است که با احداث ریشه‌های پاک سه‌گانه (شناختی، قلبی و رفتاری) و سوزاندن ریشه‌های جرم (از طریق انجام چهار سطح بنیادین فوق و استفاده از هفده ابزار فوق)، مانع پیدایش جرم و گناه یا سبب کاهش جرم و گناه می‌شود.

۱-۳-۲. رابطه سیاست جنایی اسلامی با فقه اکبر اسلام

فقه اصغر شامل عبادات، معاملات، احکام و سیاسات و فقه اکبر شامل مجموع علوم اصلی سه‌گانه اسلام معارف اسلامی، اخلاق اسلامی و فقه اصغر است.

سؤال ۱: بعضی می‌گویند اسلام اصلاً سیاست جنایی ندارد، زیرا حدود، قصاص، تعزیرات و دیات که در فقه اسلامی هست همه فقط سیاست کیفری‌اند نه سیاست جنایی، لذا ما در اسلام سیاست جنایی نداریم. این سؤال دو پاسخ دارد:

اولاً فقه اصغر منحصر در فقه کیفری نیست: غیر از فقه کیفری سایر اقسام فقه اصغر عبارت‌اند از: ۱. فقه اصغر عبادی عبادات ده‌گانه (صوم و صلاه، خمس و زکات، حج و جهاد، تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر (که در سیاست جنایی دین‌داری بسیار کارآمد است) و نماز و روزه و تولی و تبری (تریبیت‌کننده قلب بشر) و خمس و زکات (فقرزدا)؛ ۲. فقه اصغر فقرزدا شامل وقف، کفارات، نذر و عهد و عطایا شامل صدقه، هبه، سکنی و تحییس؛ ۳. فقه اصغر شغل و درآمدزا شامل عقد بیع (تسهیل معاملات اقتصادی) و عقود مشارکتی (شرکت، مضاربه، مزارعه، و

مساقات)؛ ۴. فقه اصغر اخلاقی سکونتی شامل عقد نکاح (رفع نیاز جنسی) و عقد اجاره (تأمین مسکن).

ثانیاً، ما سیاست جنایی را از فقه اکبر می‌گیریم نه فقه اصغر، لذا برداشت سؤال‌کننده ناقص است. نگاه فقه‌اکبرنگر (نظام‌مدار و جامع‌الاطراف‌نگر) شرط موفقیت سیاست جنایی در اداره جامعه است، فقه اصغر اداره کشور فقط با قانون است و اداره کشور با قانون تنها (فقه اصغر) ممکن نیست. باید اعتقادات اسلامی و اخلاق اسلامی (دو زیربنای فقه اصغر و پشتوانه آن) و مواردی مثل رفع حوایج ملت در جامعه جاری شود تا سیاست جنایی موفق شود.

سؤال ۲: رابطه سیاست جنایی اسلام با فقه اکبر اسلام چیست؟

پاسخ: سیاست جنایی شاخه‌ای از سیاست شرعی اسلام است و سیاست جنایی را ما از فقه اکبر می‌گیریم. در فقه سیاسی اسلام، تدوین و استخراج سیاست جنایی براساس علوم سه‌گانه فقه اکبر (عقاید اسلامی، اخلاق اسلامی و فقه اسلامی) انجام می‌شود. کیفیت تدوین و استخراج سیاست جنایی از فقه اکبر به این شکل است که اولاً، شخص استخراج‌کننده، خودش حتماً باید اسلام‌شناس متخصص سیاست جنایی اسلام باشد (نه حقوقدان ناآشنا با سیاست‌های عمومی و سیاست جنایی اسلام)؛ ثانیاً، ابتدا باید شرایط زمانی مکانی کنونی مردم را شناسایی کند؛ ثالثاً، حوایج مردم را براساس مقاصد شریعت (اهداف کلی اعم از عام و خاص شارع از احکام اسلام) بسنجد؛ رابعاً، بعد براساس محوریت علوم سه‌گانه فقه اکبر، سیاست‌ها و تدابیر و اقدامات جنایی مناسب را در مواجهه با جرم و گناه طراحی کند.

۱-۳-۳. رابطه سیاست جنایی اسلام با مقاصد مضبوطه شریعت

سیاست جنایی یک شاخه از شاخه‌های سیاست شرعی است که با تدابیر و اقدامات خود، مانع وقوع جرم و گناه یا سبب کاهش وقوع جرم و گناه می‌شود (عبدالله بن عمار، ۱۴۲۶: ۴۲ - ۴۳)، مقاصد شریعت یعنی اهداف دین اسلام و مضبوطه یعنی دارای ضابطه معین (نه مرسله یعنی بی‌ضابطه)، هر نظام حقوقی برای وضع سیاست جنایی کشور خود تابع مقاصد (اهداف و مصالح و مفسد معین) در نظام اعتقادی سیاسی خویش است، قطعاً سیاست جنایی یک نظام دینی با سیاست جنایی نظام‌های غیردینی (یعنی نظام لیبرال دموکراسی غرب یا سوسیال دموکراسی شرق)، تفاوت‌های بنیادین دارد:

۱. در نظام لیبرال دموکراسی غرب: وضع سیاست جنایی، تابع مصالح و مفسد لیبرالی یعنی تحقق مقاصد و اهداف اومانیزم و اصول آن (سکولاریسم و لائیسزم) است و در نظام کمونیستی

هم وضع سیاست جنایی، تابع مادی‌گرایی و اصول آن (انکار خدا و طرد دین و اعتقاد به ازلی بودن ماده بی‌جان) است.

۲. در نظام حقوقی اسلام: سیاست جنایی در صورتی اسلامی است که خلق (عبادالله - بندگان خدا) را به مصالح شرعی‌شان نزدیک و از مفسدات خلاف شرع دور کند. مکتب ارزشمند اسلام با حراست از مصالح شرعی بشر، از تعدی به حقوق مردم و حقوق خدا جلوگیری می‌کند (فتحی بهنسی، ۱۴۰۹ق: ۲۶، ۲۷). هدف از تدوین سیاست جنایی اسلام «حفظ اهداف ثابت شریعت از طریق راهبردها متغیر» است (همان: ۲۶). جهت تدوین سیاست جنایی در مکتب ارزشمند اسلام رعایت دو شرط لازم است:

شرط اول - تحقق بخشیدن به مقاصد و اهداف متوسط و نهایی اسلام: هدف متوسط سیاست جنایی اسلام تأمین نیاز مادی و معنوی بشر است؛ اول تأمین هدف مادی (یعنی تأمین و حفظ عرض، ناموس، جان، مال و عقل) و دوم تأمین هدف معنوی (یعنی تأمین و حفظ علم‌طلبی، حق‌طلبی، زیبایی‌طلبی و دین‌طلبی) که چهار امر ذاتی همه بشر است (فرجی، ۱۳۸۹: ۱۱۲) و هدف نهایی سیاست جنایی اسلام عبارت است از حفظ حاکمیت فرمان خدا در روی زمین و خلیفه‌الله شدن انسان «که این امر از طریق حفظ عبودیت و بندگی الهی و تشکیل و حفظ نظام اسلامی و جامعه اسلامی و دولت اسلامی و وحدت مسلمانان و ایجاد جهان توحیدی خدامدار محقق می‌شود» (توکلی، ۱۳۸۴: ۱۸۸ - ۲۰۲). شرط دوم - در نظر گرفتن ابعاد شش‌گانه مصالح اسلامی: سیاستگذار جنایی اسلام هنگام تدوین برنامه سیاست جنایی اسلامی، حتماً باید ابعاد شش‌گانه مصالح و مفسدات اسلامی (بعد مادی و معنوی، دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی شرعی) را مد نظر خود قرار دهد.

۲. جایگاه و شرایط حجیت مستقل سیاست جنایی در اسلام از نگاه تطبیقی

اول جایگاه بعد شرایط ذکر می‌شود:

۱-۲. جایگاه سیاست جنایی در فقه اسلامی

سیاست جنایی در فقه اسلام نه ویژگی دارد:

۱. سیاست جنایی شاخه‌ای از فقه اسلام است (فقه نظام اداره رفتار شخص و خانواده و شهروندان است).

۲. سیاست جنایی شاخه‌ای از فقه سیاست عمومی است.

۳. سیاست جنایی جزو قلمرو فقه اکبر است نه فقط در قلمرو فقه اصغر (فقه اصغر یعنی مباحث حقوقی اسلام شامل عبادات، معاملات، احکام و سیاسات و فقه اکبر یعنی مجموعه علوم سه‌گانه اسلام «اعتقادات اسلامی و اخلاق اسلامی و فقه اصغر») (فاضل مقداد، ۱۳۶۱: ۵-۸).
۴. سیاست جنایی یکی از اقسام سیاست شرعی است. سیاست شرعی، اقسامی دارد: سیاست شرعی اقتصادی، سیاست شرعی اجتماعی، سیاست شرعی کیفری، سیاست شرعی فرهنگی، سیاست شرعی اقتصادی ... (القرضاوی، ۱۴۱۸: ۳۹؛ فاضل مقداد، ۱۳۸۶: ۵-۸).
۵. سیاست جنایی اسلام، بر مبنای اهداف و مقاصد شریعت تدوین می‌شود.
۶. خطوط کلی سیاست جنایی را سیاست‌های کلی نظام تعیین می‌کند.
۷. سیاست جنایی یکی از شاخه‌های سیاست عمومی دولت جهت مدیریت منکرات (جرم و گناه) است.
۸. سیاست جنایی یکی از سیاست‌های عمومی دولت است؛ یعنی سیاست اقتصادی یا فرهنگی نیست سیاست جنایی است.
۹. سیاست جنایی به شکل قانون کیفری و غیرکیفری در مجلس تصویب و در سه قوه اجرا می‌شود.
- خلاصه سیاست جنایی اسلامی شاخه‌ای از فقه سیاست عمومی و علم سیاست شرعی اسلام است که با توجه به فقه اکبر، مقاصد شریعت و سیاست‌های کلی نظام، برنامه مواجهه با جرم و گناه را به ما می‌آموزد.

۲-۲. جایگاه سیاست جنایی اسلامی بین علوم اجتماعی و علوم جزا و جرم‌شناسی

۲-۲-۱. جایگاه سیاست جنایی اسلامی در بین علوم اجتماعی

در جامعه‌شناسی کج‌روی، سازوکار مبارزه با جرم و کج‌روی «کنترل اجتماعی» است و نظام کنترل اجتماعی سه شکل دارد: ۱. کنترل رسمی (که توسط دولت از طریق اعمال سیاست جنایی و کنترل سازمانی انجام می‌شود)؛ ۲. کنترل غیررسمی (که در آن مهار کج‌روی توسط جامعه و افراد) - کنترل ماورائی (که خدا با مکافات عمل پاسخ می‌دهد) (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۵۰۰-۵۱۶)، اما در سیاست جنایی اسلامی نظام کنترل اجتماعی چهار شکل دارد. کنترل رسمی از سه طریق خدا و نماینده خدا (ولایت فقیه و روحانیت اصیل، اصل ۱۱۰) و دولت (اصل ۳ قانون اساسی) و کنترل غیردولتی توسط مردم (از طریق نهاد امریه معروف و نهی از منکر یعنی نظارت مردمی و ولایت همگانی مردم برای حفظ پاکی و سلامت جامعه اصل ۸ قانون اساسی) و کنترل ماورائی هم

توسط خدا (به‌عنوان عکس‌العمل قهری جرم و گناه از طریق مکافات دنیوی عمل در دنیا و مکافات اخروی عمل در آخرت) انجام می‌شود.

۲-۲-۲. جایگاه سیاست جنایی اسلامی در بین علوم جزائی

ما چهار نوع علوم جزائی داریم: علوم جزائی حقوقی (مثل حقوق جزا)؛ علوم جزائی تجربی (مثل جرم‌یابی)؛ فلسفه علوم کیفری (مثل فلسفه حقوق جزا)؛ سیاست جنایی (شامل سیاست غیرکیفری و کیفری) (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۱۸). اولاً سیاست جنایی اسلامی یکی از شاخه‌های علوم جزائی است؛ ثانیاً برخلاف سیاست جنایی غرب (که محورش سیاست کیفری است)، محور سیاست جنایی اسلام (سیاست فرهنگی اقتصادی) است. سیاست کیفری اسلامی فقط مجازات نیست، اقدامات حمایتی، اصلاحی و تأمینی هم دارد.

۲-۲-۳. جایگاه سیاست جنایی اسلامی در جرم‌شناسی

جرم‌شناسی به دو دسته جرم‌شناسی نظری (شامل زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی) و جرم‌شناسی کاربردی (شامل جرم‌شناسی حقوقی، بالینی و پیشگیری) تقسیم می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۵۰۰ - ۵۱۶). سیاست جنایی اسلامی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی است، چون وظیفه سیاست جنایی اسلام، طراحی راهکارهای گوناگون مبارزه با منکر (جرم و گناه) است.

۲-۳. شرایط حجیت شرعی داشتن (اسلامی بودن) سیاست جنایی

هر سیاست جنایی که در ایران وضع شود سیاست جنایی اسلامی نیست، مگر آن سیاست جنایی مطابق با مقاصد شریعت باشد. «الاسیاسه الا ما وافق الشریعه» یا «الاسیاسه الا ما یوافق لمقاصد الشارح العامه» (الشریف العالم، ۱۳۷۵: ۲۵). هیچ سیاستی اسلامی نیست، مگر موافق با مقاصد شریعت باشد، شرایط حجیت شرعی داشتن (یعنی اسلامی بودن) سیاست جنایی، دارا بودن پنج شرط ذیل است که بدون تحقق یکی از این شروط پنج‌گانه، آن سیاست جنایی هرچه باشد سیاست جنایی اسلامی نیست:

مطابقت با مقاصد شریعت: در صورتی هر سیاست جنایی، اسلامی است که حافظ مقاصد شریعت یعنی اهداف پنج‌گانه دین اسلام (حفظ جان، عرض و ناموس، مال، دین و عقل مردم) باشد و از این طریق هدف واحد اسلام (یعنی عبودیت و بندگی خدا روی زمین توسط انسان و نیل

به خوشبختی دنیوی و اخروی انسان با خلیفه‌الله شدن و خداگونگی عبادالله و مردم) را تحقق بخشد (عبدالوهاب الجندی، ۲۰۰۳ق: ۳۰ - ۳۳). پس رعایت اهداف دین مبین اسلام و حفظ اصول کلی حقوق اسلامی و قواعد کلی فقه اسلامی و حفظ مصالح اسلام و نظام اسلامی و مسلمانان، معیار شرعی بودن سیاست جنایی ایران است.

لزوم تأمین حوائج الناس (تدارک نیازهای مادی معنوی مردم): شرط دوم اسلامی بودن سیاست جنایی این است که مدیران طوری سیاست جنایی را برنامه‌ریزی و اجرا کنند که عملاً حتماً سبب رفع نیازهای مادی و معنوی و تربیت مردم و حل مشکلات مردم شود.

لزوم رعایت اولویت‌های سه مرحله‌ای در تأمین حوائج الناس (نیازهای مردم): طبق فقه اسلام، مصالح بشر سه دسته‌اند مصالح ضروری، حاجی و تحسینی، که اول باید مصالح ضروری مردم (نیازهای حیاتی مردم) تأمین شود بعد مصالح حاجی مردم (رفع اختلال در زندگی مردم) و بعد مصالح تحسینی مردم (نیازهای رفاهی).

واقع‌بینی در عین پویایی: برنامه‌نویس سیاست جنایی اسلام اولاً، حتماً باید به درک شرایط زمان قادر باشد نه عاجز از درک شرایط زمان و مکان؛ ثانیاً، به بهانه ننگرایی، اصول کلی و اختصاصی نظام حقوقی اسلام را با غرب‌زدگی ضایع نکند. ضابطه تقنین یک سیاست جنایی اسلامی به روز این است که نه صرفاً جمود بر ظواهر متون جزئی شرعی داشته باشیم بدون توجه به مقاصد و اهداف شریعت (که مکتب ظاهریه دچار این عیب است) و نه صرفاً طبق عقل عادی یا عقل غربی یا شرقی بیندیشیم و متون جزئی شرعی را نادیده بگیریم (که مکتب معطله یعنی تعطیل‌کنندگان دستورات اسلام و اجراکنندگان دستورات غربی یا شرقی، که دچار این انحرافند) ملاک این است که متون جزئی شرعی را در پرتو مقاصد کلی شرع بفهمیم و تفسیر کنیم (قرضاوی، ۱۳۹۲: ۴۳ به بعد) که امام خمینی بزرگ، از آن به «فقه پویای جواهری با لحاظ شرایط زمان و مکان، جهت حفظ اهداف شریعت» یاد کردند.

اعتدال‌مدار بودن: در وضع سیاست جنایی باید از هرگونه اقدام افراطی (زیاده‌روی در اقدامات) یا تفریطی (یعنی عدم برخورد یا برخورد نکردن به موقع با منکرات مثل بدحجابی) خودداری کرد و الا آن سیاست جنایی، بی‌شک سیاست جنایی اسلامی نیست.

نکته: اهل سنت عزیز جهت تدوین سیاست جنایی در مالانص فیه لزوم سه شرط «موافق شرع و اصول کلی شرعی بودن، عدم مخالفت با احکام دائمی اسلام و اعتدالی بودن» را ذکر کرده‌اند (عبدالله بن عمار، ۱۴۲۶ق: ۴۸).

۳. منابع استنباطی و سیاست‌های مستقل مواجهه با جرم از دیدگاه تطبیقی

اول منابع مستقل اسلام و بعد سیاست جنایی استراتژیک اسلام و غرب در مواجهه با جرم و گناه بحث می‌شود.

۱-۳. منابع استنباطی مستقل سیاست جنایی اسلام

۱-۳-۱. منابع سیاست جنایی در حقوق غرب

چهار منبع قابل ذکر است:

۱. قوانین داخلی: هر کشور غربی طبق جهان‌بینی و مکتب اتخاذی خود (لیبرالی، مارکسیستی و...) و قانون اساسی خود، سیاست جزایی خاص خود را تدوین می‌کند، که یا به عقل اجتماعی جدا از دین و ضد دین (لیبرالیسم) یا به عقل غیردینی (مارکسیسم) تکیه دارد.
۲. عرف و رویه قضائی: در کشورهای کامان لائو، هم رویه قضات (بولک، ۱۳۸۷: ۸۳-۹۵) و هم عرف مردم در تنظیم سیاست جنایی نقش دارد.
۳. معاهدات و تصمیمات قاره‌ای: مثل تصمیمات کمیته اروپایی مسائل جنایی، ایجاد سازمان پیشگیری از جرم و قواعد اروپایی پیشگیری از بزهکاری اطفال و... (ابرنادآبادی، ۱۳۸۳: ۵۶۲).
۴. موازین سازمان ملل: معیارهای عدالت را مثل اصول راهبردی پیشگیری، موازین کنگره ۵ سالانه پیشگیری، جهت ارائه خدمات به کشورها و رعایت آن‌ها در سیاست جزایی داخلی‌شان گوشزد می‌کند (زرگری، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

۲-۳. منابع سیاست جنایی در حقوق اسلام

هفت منبع استنباطی اسلام، ذیل چهار عنوان ذکر می‌شود:

۱. منابع شرعی: منابع بین‌المللی جهان‌شمول اسلام عبارت‌اند از سه منبع قرآن کریم، سنت چهارده معصوم و اجماع. ویژگی این منابع این است که اولاً هم تمام قوانین داخلی کشور را از آن اخذ می‌کنیم و هم منبع واحد وضع قوانین مشترک بین کشورهای اسلامی هستند؛ ثانیاً به‌عنوان الگوی بین‌المللی و جهان‌شمول جهت وضع قوانین نظم نوین جهانی کاربرد دارند. یک - کتاب خدا: تعالیم قرآن کریم برای خلاصی ما اسیران زنجیرهای نفس که باعث ارتکاب جرم توسط انسان‌ها می‌شود، بهترین راهکار تدوین سیاست جنایی است (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۶۰). قرآن چون معیار بین‌المللی است فراتر از تمام موازین سازمان ملل بوده در تعارض قوانین قرآن با سازمان ملل بدون کوچک‌ترین تردید بر قوانین ضداسلامی سازمان ملل، مقدم است. دو- سنت

چهارده معصوم نورانی: انسان‌های کامل (اهل بیت عصمت) تجلی اسما و صفات خدایند، لذا سنت چهارده معصوم نورانی، بهترین برنامه سیاست جنایی را به همه انسان‌ها می‌آموزد (همان: ۶۰). لذا اصول فرمایش چهارده معصوم، در تعارض قوانین سازمان ملل با سنت اسلامی مقدم بر اصول سازمان ملل است: سه - اجماع اسلام‌شناسان: اتفاق نظر اسلام‌شناسان فوق تخصص (مجتهدان و مراجع عظام تقلید) در صورتی که کاشف از رأی معصوم باشد منبع سوم سیاست جنایی اسلام است.

۲. منابع عقلی و فطرت: در کنار منابع شرعی، عقل و فطرت هم، در تدوین معاهدات قاره‌ای و اصول حقوق جهانی ملل نقش دارند: یک - عقل سلیم (دلیل عقل): دریافت عام و قطعی عقل، اگر طبق مصالح و مفاسد نوعی بشر و مطابق با درک عقلا بماهیم عقلا باشد با داشتن این چهار قید، منبع دیگر سیاست جنایی اسلام است (مظفر، ۱۴۲۵/۱: ۲۱۷ - ۲۷۰). معاهدات کشورهای متحد اسلامی (نه فقط قاره‌ای) جهت حفظ اتحاد امت اسلامی سخت مفید است. دو - فطرت پاک: شهود حضوری به حقایق چهارگانه (علم‌طلبی، حق‌طلبی، زیبایی‌طلبی و خداطلبی ذاتی) و عشق فطری که در درون دل همه انسان‌ها به سوی خدا (کمال مطلق) وجود دارد، در صورت توجه، هدایت گرما به سوی سیاست جنایی صحیح است.

۳. سیره عقلا و متشرعه (رویه عقلا و دین‌داران): سیره و شیوه زندگی عملی خاص متدینان خداپاور (سیره دین‌داران) از یک سو و رویه و سیره عملی عموم عقلای عالم بماهیم عقلا (رویه عقلا) از سوی دیگر، منبع مهمی در تدوین سیاست جنایی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/۱: ۱۲۶ - ۳۱۶ - ایشان هفت مورد را منبع معرفت ذکر کردند).

۴. عرف (شیوه عرفی صالحان) و رویه مراجع عظام تقلید: عرف جاری نزد مؤمنان صالح یا مردم آزاده و سلیم‌النفس که خلاف مقاصد شریعت نباشد، منبع دیگر تهیه سیاست جنایی است (حسینی، ۱۳۸۳: ۸۷ - ۹۳) و نیز نظر مشهور مراجع عظام تقلید منبع استخراج سیاست جنایی است. خلاصه در حقوق اسلامی این چهار منبع، مصادر هنجارسازی و استنباط سیاست جنایی اسلامند (در اهل سنت ۴ مصدر اتفاقی و ۴ مصدر اختلافی جهت سیاست جزایی آمده است) (بوساق، ۱۴۲۳ق: ۷۶ - ۱۱۱).

تطبیق منابع غربی با اسلامی چنین است: ۱. قوانین داخلی: سیاست شرعی اسلام براساس قانون متکی به مقاصد شریعت و متن کتاب و سنت و اصول کلی فقهی تدوین می‌شود؛ ۲. عرف و رویه قضائی: به جای این دو در فقه اسلامی رویه عقلا و رویه دین‌داران و شیوه عرفی صالحان را داریم نه عرف فاسدان؛ ۳. معاهدات قاره‌ای: کشورهای اسلامی با بیان نظرات خود باید در

تصویب معاهدات نقش کامل ایفا کنند تا خلاف موازین اسلام نباشد؛ ۴. موازین سازمان ملل: در مقابل اعلامیه حقوق بشر غربی، اسلام‌شناسان، اعلامیه حقوق بشر اسلامی را در مصر مصوب کردند. لذا در حدودی که موازین سازمان غربی ملل در تعارض با اصول کلی یا جزئی قرآن کریم و چهارده معصوم (مثل اباحه شراب، کشف حجاب، قمار، زنا و لواط و اجرای یک‌جانبه حقوق بشر به نفع لیبرالیسم ضدخدا) باشد، قطعاً دستور قرآن و چهارده معصوم نورانی بر موازین سازمان ملل حاکم است. حکومت کاملاً ناعادلانه لیبرال دموکراسی بر جهان امروز، ضرورت تشکیل سازمان ملل بین‌المللی با حاکمیت اصول جهان‌شمول اسلامی را ضروری می‌کند.

۲-۳. سیاست جنایی استراتژیک اسلام و غرب در مواجهه با جرم و گناه

نخست عمق استراتژیک سه‌ضلعی سیاست فرهنگی، اقتصادی و امنیتی و دوم عمق استراتژیک سه‌ضلعی سیاست کیفری اسلام بیان می‌شود.

۱-۲-۳. عمق استراتژیک سه‌ضلعی «سیاست فرهنگی اقتصادی امنیتی» (غیرکیفری) اسلام

۱. اصول استراتژیک سیاست غیرکیفری غرب: اساس کار غرب در برخورد با جرم بر پیشگیری از جرم استوار است و راهکار عملی آن، انجام اصلاحات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی (پیشگیری اجتماعی) و انجام اقدامات پیشگیرانه کاهنده فرصت ارتکاب جرم (پیشگیری وضعی) است و هدف این است که از طریق این دو ابزار اقدام به جلوگیری از وقوع جرم یا حداقل کاهش جرم کنند.

۲. اصول استراتژیک سیاست فرهنگی، اقتصادی و امنیتی (غیرکیفری) اسلام: اساس کار اسلام در برخورد با جرم سه‌ضلعی است. ضلع اول پیشگیری از منکرها (وقوع جرم و گناه) است که غرب هم آن را بیان می‌کند. ضلع دوم که اسلام بدان توجه جدی دارد پیش‌گشایی از معروف (فتح درانغ) است. پیش‌گشایی یعنی گشودن جدی و گسترده زمینه‌ها و راه‌های زندگی حلال و صحیح اقتصادی و فرهنگی برای مردم تا افراد به حرام نیفتند، مثل پر کردن بازار کشور از کالاهای حلال و آسان کردن ازدواج و افزایش شغل جهت اقشار مردم و افزایش زمینه‌های دین‌داری مردم (فخری، ۱۴۳۲ق: ۳۹). در غرب اولاً به سیاست پیش‌گشایی از معروف‌ها بسیار کم‌تر از اسلام توجه شده، اما اسلام به آن توجه بسیار جدی دارد؛ ثانیاً غربی‌ها متأسفانه منکرات مهمی مثل شراب، زنا، قمار و ... را معروف می‌دانند. ضلع سوم، حفظ امنیت ملی و اجتماعی است؛ یعنی تأمین امنیت جامعه اسلامی و حفظ ملت از خطرهای تهدیدات داخلی و خارجی از راه تدارک قدرت نظامی و انتظامی قوی و تدارک نیازهای ضروری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملت.

۲-۲-۳. عمق استراتژیک سه‌ضلعی «تبشیری، انذار و تحبیبی» (سیاست کیفری) اسلام

۱. سیاست کیفری غرب: غرب در برخورد با مجرم سه هدف دارد: اول اصلاح بزهکار؛ دوم حمایت از جامعه؛ سوم توجه جدی به ارباب عمومی و ارباب خصوصی (بیات و همکاران، ۱۳۷۸: ۳۲).

۲. سیاست کیفری اسلام: علاوه بر اهداف فوق (اصلاح مجرم و حمایت از جامعه و ارباب) اولاً حمایت جدی از خدا دارد؛ ثانیاً در حمایت از مجرم سه هدف دارد: اول سیاست کیفری حمایتی از مجرم (آموزشی، تدارکی و درمانی)؛ دوم سیاست کیفری غیرمجازات‌ی مجرم (مثل اصلاح ذات‌البین و برخورد اداری یا صنفی)؛ و سوم سیاست کیفری مجازاتی سه‌ضلعی (انذار، تبشیری و تحبیبی) (امام علی (ع)، ۱۳۸۴: ۱۲۶۷)؛ یعنی سیاست اسلام در بخش برخورد تبیهی فقط به ارباب (سیاست کیفری انذار) تأکید نمی‌ورزد، بلکه طبق فرمایش مولا علی (ع) سیاست کیفری سه‌ضلعی «انذار و تبشیری و تحبیبی» دارد، درحالی که سیاست جنایی غرب به آن توجه بنیادین ندارد.

حضرت علی (ع) در سیاست کیفری سه‌ضلعی خویش، علاوه بر سیاست کیفری انذار (همان ارباب) به سیاست کیفری تبشیری (ایجاد بشارت تشویق‌گر مجرم به سوی اصلاح) و سیاست کیفری تحبیبی (ایجاد محبت به خدا و اصلاح قلبی او) اهتمام جدی داشتند، اما سیاست کیفری غرب بیشتر به ارباب توجه کرده و به این رفتار سه‌ضلعی، خیلی کم توجه کرده است.

۴. مشابهت و مفارقت سیاست جنایی اسلام و غرب از نظر نظام‌های پایه

۴-۱. مشابهت و مفارقت سیاست جنایی اسلام و غرب در مبدأ تأثیر دیدگاه توحیدی بر سیاست جنایی)

۴-۱-۱. توحید روح تمام قوانین اسلام و سیاست جنایی

توحید عبارت است از حاکمیت نگاه توحیدی (نفی کفر، شرک و اومانیسم) و قانون خدا بر جامعه از جمله در تدوین قوانین سیاست جنایی:

۱. خدا مقنن سیاست جنایی اسلام است (نه برنامه‌های کفرآلود یا شرک‌آلود یا نفاق‌محور).

۲. حق‌الله اساس همه حقوق بشر است (امام سجاده، ۱۳۸۵: ۱۴۴)، زیرا عبودیت خدا ما را به

ربوبیت می‌رساند.

۳. توحید زیربنای قوانین سیاست جنایی است، لذا قوانین خلاف حکم خدا مثل قوانین مروج

مفاسد اخلاقی ممنوع است (مانده: ۴۵).

۴. هدف نهایی سیاست جنایی رسیدن به خوشبختی جامع مادی معنوی بشر و نیل به ذات الهی است.

۲-۱-۴. اصول کلی چهارگانه توحیدی، محور تدوین تمام سیاست‌های جنایی اسلام

در تدوین مبانی و وضع قوانین سیاست جنایی، باید اصول کلی توحیدی تنها معیار اصلی باشد تا آن سیاست جنایی، اسلامی حساب شود:

۱. حاکمیت اصول کلی توحید اعتقادی: هر اعتقادی بخواهد مبنای سیاست جنایی یا ستون برنامه‌ها و تدابیر مهار جرم قرار گیرد باید تابع اصول پنج‌گانه دین (تبعیت از دستورات قرآن، سنت رهبر اسلام، توجه به معاد اعمال، عدالت‌محوری قوانین، رعایت کرامت بشر) باشد نه تابع اعتقادات لیبرالیستی یا الحادی.

۲. حاکمیت اصول کلی توحید اخلاقی: هنگام تدوین برنامه‌های اخلاقی سیاست جنایی، حتماً باید اصول توحید اخلاقی (حسن و قبح عقلی، اصول ثابت اخلاقی اسلام، اصل لاضرر، حاکمیت پاکی‌های اسلامی، تکیه به فطریات) محور باشد نه اصول لیبرالیسم یا کمونیسم.

۳. حاکمیت اصول کلی توحید عبادی: انسان (عبد خدا) باید در همه عرصه‌های زندگی‌اش با رعایت فروع دین (نماز، روزه، خمس، زکات، امر به معروف، نهی از منکر، حج، جهاد، تولی و تبری) مطیع خدا باشد نه مطیع نفس اماره یا سبک زندگی اومانستی (انسان‌پرستی نه خداپرستی) و نه طاغوت (خادم حاکم مستبد داخلی یا استکبار جهانی).

۴. حاکمیت اصول کلی توحید حقوقی: در تدوین قوانین کشور، باید فقط اصول کلی توحید حقوقی (حق الله و حق الناس دو پایه حقوق انسان نه فقط حقوق بشر، حق الله محور همه حقوق انسان‌ها، حفظ کرامت و ارزش‌های والای انسانی، ضرورت تدارک همه نیازهای مادی معنوی کشور، حاکمیت فرامین رهبر صالح بر جامعه از طریق اجتهاد مستمر و مبارزه با کفر و شرک و نفاق در جامعه) حاکم باشد نه قبول قراردادهای لیبرالیستی یا کمونیستی.

۲-۲-۴. مشابهت و مفارقت در نظام عقیدتی، سیاسی پایه

۱-۲-۴. نظام اعتقادی مستقل پایه سیاست جنایی اسلام

هر یک از نظام‌های حقوقی کنونی حاکم در جهان بر یک جهان‌بینی یا مکتب عقیدتی راهبردی متکی‌اند، لذا سیاست جنایی آن‌ها هم بر همین نظام عقیدتی متکی بوده و از آن‌ها تغذیه می‌کند. نظام‌های رایج عقیدتی کنونی جهان سه موردند ماتریالیسم (بی‌خدایی فردی و اجتماعی)،

اومانيسم (خداگرایی فردی و خودمداری اجتماعی) و اسلام (خداگرایی فردی و اجتماعی). هر مکتب سیاست جزایی طبق محورها و اصول عقیدتی خاص خود، شیوه خاصی را جهت نحوه مبارزه با جرم ارائه می‌دهد:

مکتب اعتقادی ماتریالیسم (مادی‌گرایی فردی و اجتماعی): ماتریالیسم مکتب الحاد و بی‌خدایی است؛ یعنی به جای اعتقاد به خدای ازلی به ازلی بودن ماده معتقد است (ماده‌پرست)، بر همین اساس، دین را افیون توده‌ها می‌داند و به اصالت اقتصاد اشتراکی معتقد است (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۴۴). تحلیل: مکتب ماتریالیسم، طبیعتاً در شیوه مبارزه با جرم یعنی سیاست جزایی، روش خاصی دارد؛ اولاً، دین و نمادهای دینی مثل مسجد و کلیسا را نابود می‌کند؛ ثانیاً، ریشه مشکلات جهان را اختلاف طبقاتی اقتصادی بین استثمارگر و استثمارشونده می‌داند. لذا می‌گوید باید نظام سرمایه‌داری (یعنی فردی بودن همه چیز) را رها و به نظام سوسیالیستی (یعنی اشتراکی بودن همه چیز) پناه برد که نتیجه آن اولاً لغو مالکیت خصوصی و حاکمیت یافتن مالکیت عمومی؛ ثانیاً لغو خانواده و حاکمیت خانواده اشتراکی؛ و ثالثاً اقتصاد را زیربنا و فرهنگ را روبنا قراردادن است (مطهری، ۱۳۸۸: ۶۹، ۱۳۱، ۱۴۴).

مکتب اعتقادی اومانيسم (خداگرایی فردی انسان‌مداری اجتماعی): این مکتب در بُعد فردی دین مسیحی را قبول دارد، اما در بُعد اجتماعی خدا را قبول ندارد؛ انسان را خدای جامعه می‌داند و براساس عقل‌گرایی محض خود، به اصالت اقتصاد آزاد و خصوصی معتقد است. تحلیل: مکتب اومانيسم هم شیوه سیاست جزایی خاصی دارد: اولاً دین و نمادهای دین مثل کلیسا و مسجد را فقط امر شخصی و فردی می‌داند و به دین حق هیچ نوع دخالت در اداره جامعه نمی‌دهد؛ ثانیاً، بهشت نجات‌بخش ملت، لیبرالیسم «یعنی آزادی اقتصادی فردی، آزادی فرهنگی با بقای خانواده» است (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۸۸/۲: ۹۰ به بعد)؛ ثالثاً فرهنگ لیبرالی را زیربنای اقتصاد می‌داند. مکتب اعتقادی خدامدار (خداگرایی فردی اجتماعی): مکتب اسلام به‌عنوان مکتب پایه سیاست جنایی اسلام، در بُعد فردی و اجتماعی، حضور خدا را قبول داشته و در وضع قوانین فردی، خانوادگی و اجتماعی، استفاده از قوانین خدا را ضروری می‌داند (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۷۰ به بعد)، اقتصاد و فرهنگ هر دو را مهم می‌داند، اما فرهنگ را مهم‌تر از اقتصاد می‌داند. تحلیل: مکتب اسلام شیوه سیاست جزایی مستقل و خاص خود را دارد. اولاً، دین و نمادهای آن (مثل مسجد و کلیسا) را هم امر شخصی، هم امر اجتماعی دانسته دین خدا را شایسته‌ترین برای دخالت در سیاست می‌داند. بر همین اساس اسلام انسان‌ها را از جهنم سوسیالیسم و گرداب اومانيسم به سوی بهشت اسلام‌گرایی دعوت می‌کند؛ ثانیاً مشکل بشر را عدم

تهذیب نفس و حریص بودن و عامل نجات‌بخش بشر را دین‌داری عادلانه، یعنی آزادی فردی محدود (نه مثل سوسیالیسم شرقی نامحدود) و اشتراک اقتصادی محدود (نه مثل اومانیزم غربی نامحدود) همراه با داشتن فرهنگ سالم و تعاون عمومی و تکافل اجتماعی و مبارزه با دشمنان بشر می‌داند؛ ثالثاً، فرهنگ را زیربنا و اقتصاد را روبنا ولی بسیار مهم می‌داند (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۹۰: ۷۰ به بعد).

۴-۲. نظام سیاسی مستقل پایه سیاست جنایی اسلام

ملاحظه شد که هر یک از نظام‌های سیاسی کنونی حاکم بر جهان به یکی از نظام‌های عقیدتی مذکور در فوق متکی هستند و از آن تغذیه می‌کنند. اینک سؤال این است که نظام سیاسی مستقل پایه سیاست جنایی اسلام در مقایسه با دیگر نظام‌های سیاسی پایه سیاست جنایی دنیا کدام است؟ نظام‌های سیاسی کنونی جهان عبارت‌اند از نظام کاپیتالیستی، نظام سوسیالیستی و نظام جمهوری اسلامی. اگر مبنای یک مکتب، اصالت فرد (کاپیتالیسم) یا اصالت جامعه (سوسیالیسم) یا اصالت فرد و جامعه و خانواده و خدا (نظام اسلامی) باشد، سیاست جنایی‌اش نیز به تبع همین مبنای سیاسی، متفاوت خواهد بود.

مکتب غربی اومانیزم (انسان‌خدایی در جامعه به جای خداپرستی) دو فرزند به دنیا آورد: فرزند اول - لیبرالیسم (اصالت آزادی فردی و سرمایه‌دارمحوری با جدایی سیاست جامعه از دین)؛ فرزند دوم - کمونیسم (اصالت جامعه و دولت‌محوری با الحاد و بی‌خدایی فردی و اجتماعی). اومانیزم با آمدن خود فریاد زد «عصر انبیا در بُعد اجتماعی پایان پذیرفته و ما خود می‌توانیم با عقل خالی بشری، جامعه را اداره کنیم (هرچند فلسفه ختم نبوت رسیدن بشر به کمال عقلی و استقلال عملی با کمک‌گیری لازم از شرع بود، اما اشتباه اومانیزم فقط تکیه به عقل مجرد بشری با جدایی سیاست از دین بود). لذا بشر غربی جداشده از آسمان (اومانیزم)، اقتضاحات اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و مدنی عجیب و غریبی در غرب ایجاد و با این کارنامه ضعیف، بطلان عملی خود را به جهانیان نشان داد:

نظام سیاسی کاپیتالیستی (سرمایه‌دارمحوری): در کاپیتالیسم، فرد هدف است و دولت وسیله. کاپیتالیسم اولاً، معتقد به اصالت فرد یعنی محوریت آزادی مطلق فردی و حاکمیت اقتصاد سرمایه‌داری است؛ ثانیاً، این نظام از نظر اقتصادی به کاپیتالیسم (حاکمیت مالکیت خصوصی آزاد و اقتصاد آزاد اشخاص یا سرمایه‌دارسالاری) و از نظر فرهنگی اجتماعی به لیبرالیسم (آزادی بی حد در امور اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی و عدم تقید به مبانی و اصول دینی) باور دارد و ثالثاً، نظام این

سیاست جنایی، متکی بر دموکراسی لیبرال (محوریت آزادی فردی) است (آشوری، ۱۳۸۳: ۱۵۰، ۱۶۱؛ رنه داوید، ۱۳۶۴: ۲۱ - ۲۲). تحلیل: اولاً، این نظام در برنامه سیاست جزایی خود به اصالت فرد (آزادی فردی در رفتارها) معتقد است و با جدایی سیاست از دین حرکت می‌کند. بر همین اساس است که پیشگیری اجتماعی وضعی غرب، پای‌بند به قیود حلال و حرام الهی نیست؛ مثلاً متأسفانه زنا و لواط را حلال، قمار و شراب و ... را حلال می‌داند؛ ثانیاً، آزادی‌های شخصی بیش از حد معقول دارد، مثلاً سخن از ازدواج دوهم‌جنس یا ازدواج با حیوانات و ... دارد؛ ثالثاً، این نظام سرمایه‌داری محورست نه مردمی‌محور که در آن عدالت اجتماعی برای اقشار مردم هرگز امکان تحقق ندارد، به همین دلیل است که نظام کاپیتالیستی الان دچار بحران جدی در سیاست جنایی است.

نظام سیاسی سوسیالیستی (دولت‌محوری): در سوسیالیسم، حکومت متمرکز و تحت رهبری حزب واحد است. اولاً، معتقد به اصالت جامعه یعنی تساوی عمومی افراد و دولت‌سالاری (به جای آزادی فردی) و اقتصاد اشتراکی و مالکیت جمعی بر ابزار تولید (به جای اقتصاد خصوصی) است. لذا این نظام از نظر اقتصادی، مالکیت خصوصی را نفی کرده و بر مالکیت عمومی توده (سوسیالیسم) تأکید دارد؛ ثانیاً فرهنگ را روبنا و اقتصاد را زیربنا و فرهنگ را در خدمت اقتصاد جامعه می‌داند (آشوری، ۱۳۸۳: ۲۰۸ - ۲۰۹)؛ ثالثاً، نظام این سیاست جنایی، مبتنی بر دموکراسی سوسیال (محوریت زندگی اشتراکی و کنترل جمعی) است. تحلیل: اولاً این نظام در برنامه سیاست جزایی خود به اصالت جامعه معتقد است، لذا اصلاً به مالکیت خصوصی ارزش نمی‌دهد و همکاری را به جای رقابت توصیه می‌کند؛ ثانیاً، آزادی‌های شخصی را محدود یا ممنوع می‌کند، لذا برخلاف طبع بشر و دچار مشکلات جدی است؛ ثالثاً، چون در هر دو بُعد فردی و اجتماعی، ضد دین و بریده از خداست، از رعایت حلال و حرام الهی محروم است، لذا اساساً توانایی پاسخ‌گویی واقعی و کافی به نیاز جامعه و مردم و ایجاد عدالت واقعی اجتماعی برابر جرم و گناه را ندارد.

نظام سیاسی جمهوری اسلامی (خدمات‌محور دولتی - مردمی): جمهوری اسلامی اولاً، از نظر عقیدتی به حاکمیت خدا به معنی اصالت فرد، خانواده، جامعه و خدا، هرکدام در جای خودش معتقد است؛ ثانیاً، از نظر اقتصادی، دارای مالکیت سه بعدی «مالکیت عمومی، مالکیت خصوصی و مالکیت تعاونی» است (اصل ۴۴ قانون اساسی). در اسلام مالکیت عمومی (در برابر سوسیالیست‌ها)، مالکیت خصوصی (در برابر کاپیتالیست‌ها) و مالکیت تعاونی (مضاف بر آن دو نظام) وضع شده، ضمناً ماهیت عمومی و خصوصی نظام سیاسی اسلام (خدمات‌مدار عمومی و خصوصی) است برعکس دو نظام سوسیالیستی که کلاً غیرخدمات‌مدار و نظام لیبرال که در بُعد

عمومی خدامدار نیست؛ ثالثاً، از نظر فرهنگی به آزادی‌های حلال و پاک پای‌بند است و فرهنگ و اقتصاد هر دو را بسیار مهم اما فرهنگ را مهم‌تر و زیربنا می‌داند؛ ثالثاً، نظام این سیاست جنایی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است (القرضاوی، ۱۴۱۸ق: ۲۹). تحلیل: سیاست جنایی کاپیتالی (فردمدار)، سوسیالی (جامعه‌مدار) و اسلامی (فرد، خانواده، جامعه و خدامدار) است.

۳-۴. مشابهت و مفارقت سیاست جنایی اسلام و غرب در نظام حقوقی مدیریتی پایه

۱-۳-۴. نظام حقوقی مستقل پایه سیاست جنایی اسلام

عبارت است از نظام فقه اسلامی مقاصد شریعت‌مدار. ما سه نظام حقوقی داریم، نظام حقوقی سکولار (بریده اجتماعی از خدا)، نظام حقوقی الحادی (منکر خدا در بعد فردی و اجتماعی) و نظام حقوقی اسلام (خدامدار فردی اجتماعی ولایی مردمی):

۱-۳-۴. نظام حقوقی سکولار (بریده اجتماعی از خدا): این نظام حقوقی دو شاخه دارد اول نظام حقوقی رومی ژرمنی (حقوق نوشته) و دوم نظام حقوقی کامن لا (حقوق با رویه قضات). ویژگی‌های این نظام حقوقی بدین قرار است: ۱. عنوان نظام حقوقی: این نظام حقوقی سکولار (بشر بریده اجتماعی از خدا) است که بر اثر انحراف کلیسا توسط دشمنان آن و ضعف فکری کلیسا، غربیان مقرر کردند عرصه اجتماع از دین جدا و طبق عقل ناقص بشر (غیردینی) اداره شود و دین امر فردی باشد؛ ۲. تقسیم بنیادین حقوقی: ساختار حقوق در نظام رومی ژرمنی به دو دسته حقوق عمومی (رابطه دولت با مردم) و حقوق خصوصی (رابطه اشخاص با هم) تقسیم شده، اما در نظام کامن لا، ساختار حقوقی به دو دسته حقوق کامن لا (حقوق مشترک کشور در امر سلطنتی و مالی) و حقوق انصاف (رعایت حقوق مشترک غیر کامن لایی و حقوق خصوصی) تقسیم می‌شود (رنه داوید، ۱۳۶۴: ۴۲، ۷۴، ۳۶۱)؛ ۳. منابع حقوق: نظام رومی ژرمنی و کامن لا منابع مشترک دارند ۱. قانون؛ ۲. عرف و عادت؛ ۳. رویه قضائی؛ ۴. نظریات علمای حقوق و عقل؛ ۵. اصول کلی حقوقی. فقط محور نظام رومی ژرمنی «قانون» و محور نظام کامن لا «رویه قضات» است.

۲-۱-۳-۴. نظام حقوقی الحادی (بریده فردی اجتماعی از خدا): برخلاف نظام غرب «که نظام دینی فردی و غیردینی اجتماعی است». نظام حقوقی کمونیستی، نظامی «منکر خدا در هر دو عرصه فردی و اجتماعی» بوده و بی‌دین است و دین را افیون توده‌ها می‌داند. تفاوت دوم نظام حقوقی شرقی با نظام حقوقی غربی در این است که برخلاف غربی‌ها (که بر قواعد زندگی خصوصی تأکید می‌کنند)، کمونیست‌ها برحاکمیت قواعد زندگی مشترک سوسیالیستی و طرد قواعد زندگی خصوصی تأکید دارند (همان: ۳۱۱).

۳-۱-۳-۴. نظام حقوقی خدامدار (متصل فردی اجتماعی به خدا): پایه سیاست جنایی اسلام، نظام خدامدار ولایی مردمی است.

۳-۱-۳-۴-۱. عنوان نظام حقوقی اسلام: اسم نظام اسلامی «نظام خدامدار ولایی مردمی» است (نه نظام سکولار یا نظام الحادی)؛ یعنی اولاً، حقوق اسلام تابع فرمان خداست (احکامش را از فرمان خدا در قرآن و سنت چهارده معصوم می‌گیرد)؛ ثانیاً، مجری حقوق اسلامی رهبر نظام اسلامی (ولایت فقیه) است؛ ثالثاً، احکام خدا در هر دو عرصه فردی و اجتماعی معیار وضع و اجرای قوانین است؛ رابعاً، رأی مردم مسلمان محور حقوق اسلامی است.

۳-۱-۳-۴-۲. ساختار بنیادین نظام حقوقی اسلام: چهار ویژگی بنیادین نظام حقوقی اسلام عبارت‌اند از: یک - ساختار نظام حقوقی اسلام: حق الله و حق الناس (دو پایه حقوق اسلام) به چهار دسته تقسیم شده، دو بُعد حق الهی (حق خالص خدا، حقوق عمومی خدا و جامعه) و دو بُعد حق انسانی (حقوق اجتماعی مردم و حقوق خصوصی اشخاص). این نظام حقوقی از نظر اصالت بخشی به حق خدا و نیز قرار دادن چهار نوع حق مجزا، برتری چشمگیر جدی بر تقسیم بنیادین غربی (حقوق عمومی و خصوصی) دارد. دو- تابع مقاصد پنج‌گانه شریعت بودن: احکام شرعی از جمله سیاست جنایی اسلام، تابع مقاصد مضبوطه شریعت (اهداف نظام حقوقی اسلام) است. سیاست جنایی در صورتی اسلامی است که اهداف شارع اسلام را محقق کند نه اهداف دشمنان اسلام و قرآن (کفار، ملحدان و منافقان) را؛ سه - داشتن نظام تکلیفی پنج‌گانه: فقه و حقوق اسلامی، شعبه سوم اسلام (اعتقادات اسلامی، اخلاق اسلامی و فقه و حقوق اسلامی) بوده و از نظر سیاست اجرایی دارای نظام احکام تکلیفی پنج‌گانه (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) است؛ چهار- انجام عبادات دهگانه: فروع دین (نماز، روزه، تبری و...) از پایه‌های اصلی حقوق اسلام است.

۳-۱-۳-۴-۳. منابع حقوقی مستقل: حقوق اسلام دو منبع دارد: منابع شرعی و منابع عقلی. اول - منابع شرعی (شامل قرآن، سنت چهارده معصوم، اجماع، سیره دین‌داران، شهرت، اصول کلی حقوقی اسلام، مقاصد شریعت، قواعد فقهی)؛ دوم - منابع عقلی (شامل عقل قطعی عمومی نه عقل ظنی) و سیره عقلای جهان (فرجی، ۱۳۸۹: ۱۱۱، ۱۷۱ به بعد).

نتیجه: پایه‌های نظام حقوقی مستقل اسلام عبارت‌اند از: ۱. عنوان مستقل (نظام خدامدار ولایی مردمی)؛ ۲. ساختار مستقل (حق خدا، حق جامعه، حق مردم و حق اشخاص)؛ ۳. تابع مقاصد پنج‌گانه شریعت بودن؛ ۴. نظام حقوقی شاخه سوم علوم اسلام؛ ۵. داشتن تکالیف پنج‌گانه

دینی؛ ۶. داشتن عبادات ده‌گانه؛ ۷. منابع حقوقی مستقل (منابع شرعی و عقلی و عرفی و اصول کلی حقوقی اسلام).

۲-۳-۴. نظام مدیریتی مستقل پایه سیاست جنایی اسلام

اول مدیریت عالی ولایی مستقل پایه و دوم مدیریت دولتی مستقل پایه سیاست جنایی اسلام ذکر می‌شود:

۱-۲-۳-۴. مدیریت عالی ولایی مستقل پایه سیاست جنایی اسلام

طبق آیات قرآن و روایات و متون فقهی و قانون اساسی، «ولایت فقیه، مدیر عالی سیاست جنایی اسلام است». قرآن کریم می‌فرماید: «اطيعواالله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم» (نساء: ۸۹) از خدا و رسول خدا (ص) و ولی امر مسلمین تبعیت کنید. «ومن اطاع الرسول فقد اطاع الله» (نساء: ۸۰) و هر کس از رسول خدا (رهبر نظام اسلامی) تبعیت کند از خدا اطاعت کرده، از آنجا که طبق روایات متعدد، در عصر غیبت امام عصر (عج)، فقهای صالح «ولایت نیایی از حضرت امام عصر(عج) را بر عهده دارند. در طول تاریخ این سخن مبنای نظارت فقها بر حکومت‌ها و شاهان بود و شاهان صفوی که شیعه بودند اعتراف داشتند که سلطنت آن‌ها با اجازه مرجع تقلید اول کشور (نایب امام عصر عج) شرعیت می‌یابد و دستورات مرجع اول تقلید را برای خود سلطان و لشکریان و کشور واجب‌الاطاعه می‌دانستند و فقیه حق نظارت بر سلطنت و تمام امور حکومتی از جمله سیاست جنایی نظام را داشت (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۶۲ - ۷۲). پس طبق قرآن و روایات و قانون اساسی، «ولایت فقیه، مدیر عالی سیاست جنایی اسلام است».

۲-۲-۳-۴. مدیریت دولتی مستقل پایه سیاست جنایی اسلام

رهبر رئیس سیاست جنایی اسلام و هر سه قوه مسئول‌اند. قبلاً دو نظر داده شده است. نظر اول می‌گوید طبق اصل ۱۵۶ پیشگیری از جرم فقط وظیفه قوه قضائیه است نه سایر قوا. نظر دوم می‌گوید وظیفه قوه قضائیه فقط پیشگیری کیفری است و پیشگیری غیرکیفری اعم از پیشگیری اجتماعی و وضعی برعهده قوه قضائیه نیست، زیرا اصلاً سازوکارهای اجرایی این‌ها را ندارد، پیشگیری غیرکیفری برعهده قوه مجریه است (کوشا، ۱۳۸۸/۱: ۶۳).

درباره نظر اول باید گفت حقیقت این است که پیشگیری از جرم وظیفه رهبر عزیز و هر سه قوه است. طبق اصل ۵۷ و اصل ۱۱۰ رهبر نظام اسلامی، رئیس عالی پیشگیری هستند. طبق اصل ۶۷

وظیفه قوه مقننه، طبق اصل ۳ و اصل ۱۲۱ وظیفه قوه مجریه و طبق اصل ۱۵۶ وظیفه قوه قضائیه است.

درباره نظر دوم باید گفت بدون شک غیر از پیشگیری کیفری، پیشگیری وضعی هم برعهده قوه قضائیه است؛ زیرا اولاً، ابزار کار پیشگیری وضعی از جمله هم نیروی انتظامی است و هم تشکل‌های مردمی، که زیر نظر قوه قضائیه همکاری می‌کنند؛ ثانیاً، در طول تاریخ اسلام، سازمان حسبه، همیشه و مستمراً زیر نظر رهبری نظام اسلام و قوه قضائیه بوده و پیشگیری وضعی از جرم و بالاتر از آن را انجام می‌داده است (صرامی، ۱۳۷۷: صفحات متعدد).

نتیجه

اصول عمومی مستقل، محور مستقل و سطوح مبارزه مستقل سیاست جنایی اسلام با منکر، رابطه سیاست جنایی اسلام با سیاست شرعی، فقه اکبر و علوم اجتماعی و جزائی و هدف و جایگاه سیاست جنایی در فقه اسلامی و شرایط اسلامی بودن یک سیاست جنایی بیان شد. برتری موضوعی و شناختی درمانی سیاست جنایی اسلام بر سیاست جنایی غربی، عمق استراتژیک سه‌ضلعی سیاست فرهنگی اقتصادی امنیتی (غیرکیفری) و عمق استراتژیک سه‌ضلعی سیاست کیفری اسلام روشن شد. پایه‌های هفت‌گانه نظام مستقل سیاست جنایی اسلام (منابع حقوقی مستقل، مبدأ مستقل، نظام عقیدتی مستقل، نظام سیاسی مستقل، نظام حقوقی مستقل، نظام مدیریتی مستقل، شرایط حجیت مستقل و اصول کلی توحیدی مستقل) بیان شد.

منابع

قرآن کریم.

الف) منابع فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۸۳)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: پارسا.
- استفانی گاستون و همکاران (۱۳۷۷)، *حقوق جزای عمومی فرانسه*، ترجمه حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷)، *قرآن کتاب هدایت (تبیان)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انوری، حسن (۱۳۸۸)، *فرهنگ سخن*، دو جلدی، تهران: سخن.
- بیات، بهرام و همکاران (۱۳۸۷)، *پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور*، تهران: نیروی انتظامی.
- توکلی، اسدالله (۱۳۸۴)، *مصلحت در فقه شیعه و سنی*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۳)، *سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی*، تهران: سمت.
- خیرگان قانون اساسی (۱۳۸۹)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی*، تهران: دوران.
- داوید، رنه (۱۳۶۴)، *نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر*، ترجمه حسین صفایی و همکاران، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- دلماس مارتی، میری (۱۳۸۱)، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- زرگری، سید مهدی (۱۳۹۰)، *پیشگیری از بزهکاری*، تهران: نگاه بینه.
- سبحانی، جعفر و محمد محمدرضایی (۱۳۸۸)، *اندیشه اسلامی*، ج ۱ و ج ۲، تهران: دفتر نشر معارف.
- سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی کجروی*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صرامی، سیف‌الله (۱۳۷۷)، *حسب یک نهاد حکومتی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- عبدالفتاح، عزت (۱۳۷۸)، «بزه‌شناسی و بزه‌دیدہ‌شناسی»، *فصلنامه مفید*، شماره ۱۴.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵)، *حقوق اساسی ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- فرجی، حمید (۱۳۸۹)، *اصول فقه عمومی*، تهران: بهنامی.
- قمیشی، علی اکبر (۱۳۸۱)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، *مقدمه علم حقوق*، تهران: شرکت انتشار.
- لازرژ، کریستین (۱۳۸۱)، *سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: یلدا.
- مرادپور دهنوی، امیرحسین (۱۳۹۱)، «رابطه اجتهاد و مصلحت از دیدگاه امام خمینی»، *ماهنامه معارف*، شماره ۹۵.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، تهران: صدرا.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)، *علوم جنایی (بزرگداشت محمد آشوری)*، تهران: سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۱-۱۳۸۲)، *تقریرات جرم‌شناسی*، نیمسال دوم، تکثیر دانشجویی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۹)، *پیشینه و کارنامه مجمع تشخیص مصلحت نظام*، تهران: صدف سما.

ب) منابع عربى

- امام على (ع) (١٣٨٤)، نهج البلاغه، ترجمه على دشتى، قم: مؤسسه موعود اسلام.
- امام سجاد (ع) (١٤٢١ق)، رساله الحقوق، ط ٢، قم: مؤسسه الهدى.
- بن عبدالله السيورى (فاضل مقداد) (١٣٨٦)، نضد القواعد الفقهيّه، قم: مكتبة آيه الله مرعشى نجفى.
- الجندى سميح عبدالوهاب (٢٠٠٣)، اهميه المقاصد فى الشريعه الاسلاميه وآثارها، اسكندريه: دارالايامن.
- الحصرى احمد (١٤١٣ق)، السياسه الجنائيه، ج ٣، لبنان: دارالجيل.
- الطباطبائى، سيد محمد حسين (١٣٩٤)، الميزان، بيروت: مؤسسه الاعلمى.
- عبدالله بن عمار ابراهيم (١٤٢٦ق)، سياسه الوقايه و المنع عن الجريمه، رياض: جامعه نايف العربيه.
- فتحى بهنسى، احمد (١٤٠٩ق)، السياسه الجنائيه فى الشريعه الاسلاميه، القاهره: دارالشروق.
- قرضاوى، يوسف (١٤٢٧ق)، فقه مقاصد الشريعه بين المقاصد الكليه والنصوص الجزئيه، قاهره: دارالشروق.
- قرضاوى، يوسف (١٤١٨ق)، السياسه الشرعيه فى ضوء نصوص الشريعه و مقاصدها، مصر: مؤسسه الرساله.
- المدنى بوساق، محمد (١٤٢٣ق)، اتجاهات السياسه الجنائيه المعاصره والشريعه الاسلاميه، عربستان: آكادميه نايف.
- المظفر الشيخ محمدرضا (١٤٠٥ق)، اصول الفقه، ج اول، قم: دانش اسلامى.
- معلوف، لويس (١٣٨٣)، المنجد فى اللغه، قم: اسلام.
- نجفى، شيخ محمدجواد (١٣٥٦)، جواهرالكلام، ج ٤٢، لبنان: دار احياء التراث العربى.

